

یهودیان بنی قریظ

چالشی در تاریخ اسلام

الخلیلی بر واقعه‌ی بنی قریظه

پژوهش و تحقیق:

محمد احمدیان

سرشناسه: احمدیان، محمد، ۱۳۴۳ * عنوان و نام پدیدآور: یهودیان
بنی قریظه چالشی در تاریخ اسلام (تحلیلی بر واقعه ی بنی قریظه)
پژوهش و تحقیق محمد احمدیان. * مشخصات نشر: سنندج: ثلاثی
رووناکی، ۱۳۹۶. * مشخصات ظاهری: ۱۰۸ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م. *
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۵۱-۴۳-۰ * وضعیت فهرست نویسی: فیپا *
یادداشت: کتابنامه. * موضوع: یهودیان -- عربستان -- مدینه -- تاریخ
* موضوع: Jews -- Arabian Peninsula -- Madina -- History *
موضوع: یهودیان -- عربستان -- تاریخ -- از آغاز تا ۷۰م * موضوع:
To Bani Qurayzah, Battle of, ۱۰ A. D. * موضوع:
Saudi Arabia, ۶۲۶ * رده بندی کنگره: ۲/۷۲۲PB الف ۳ ی ۹۹۳۱
* رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۷۲ * شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۶۵۳۱۴



یهودیان بنی قریظه چالشی در تاریخ اسلام

(تحلیلی بر واقعه ی بنی قریظه)

پژوهش و تحقیق: محمد احمدیان

صفحه آرا: امیر نحوی

ناشر: ثلاثی رووناکی

نوبت چاپ: اول، بهمن ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۵۱-۴۳-۰

مراکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

ایمیل: allabook93@yahoo.com

سفر کتابفروشی های پیام نو ۱ و ۲

تلفن: ۰۸۷۳۶۲۲۱۰۹۸ - ۰۹۱۸۹۸۵۹۳۳۶

فهرست

۱۳	چکیده
۱۵	مقدمه
۲۵	فصل اول: تاریخچه قوم یهود در قرآن
۲۵	گفتار اول: تعامل قوم یهود با اصلاحات مدنی
۲۶	الف - لجاجت قوم یهود در مقابل موسی علیه السلام
۲۷	ب - بازگشت قوم یهود به نوساله پرستی
۲۸	ج - بازگشت بنی اسرائیل به بنی پرستی
۲۹	د - عدم همکاری بنی اسرائیل با موسی علیه السلام
۳۱	هـ - پاسخ بنی اسرائیل به موسی علیه السلام
۳۱	و- برخورد یهودیان با آیین مسیح
۳۳	گفتار دوم - موضع قرآن با قوم یهود
۳۳	گروه اول: مسلمانان
۳۳	گروه دوم: کفار مدینه
۳۴	گروه سوم: یهودیان مدینه
۳۴	الف - تقویت نقاط مشترک با آیین یهود
۳۵	ب - گفتگوی نیکو با اهل کتاب
۳۵	ج - قرآن مکمل تورات

فصل دوم - تعامل سیاسی پیامبر با یهودیان مدینه..... ۳۹

- گفتار اول: تخلّفات مدنی و سیاسی یهودیان ۳۹
- گروه اول: یهودیان بنی قَینُقاع و تخلّفات آنان ۴۰
- گروه دوم: یهودیان بنی نَضیر و تخلّفات آنان ۴۱
- سرانجام توطئه‌ی بنی نَضیر ۴۳
- گروه سوم: یهودیان بنی قَریظه ۴۳
- سرانجام توطئه‌ی بنی قَریظه ۴۳
- جستاری پیرامون تفسیر آیه‌ی ۲۶ سوره‌ی احزاب ۴۵
- گفتار دوم - واقعه‌ی بنی قَریظه از منظر روایات ۴۷
- الف - روایات آمدن جبرئیل ۴۷
- ب - محاصره‌ی قاه ۴۹
- ج - تأثیر ابوابه بنیضای قلعه‌ها ۵۰
- د - موقعیت قلعه در زمان محاصره ۵۱
- ۱ - اصول امان‌نامه ۵۲
- ۲ - طرح سه گانه‌ی کعب بن اسد ۵۳
- راهکار اول کعب: ۵۳
- راهکار دوم کعب: ۵۴
- راهکار سوم کعب: ۵۴
- د - حکمیت سعدبن معاذ و بنی قَریظه ۵۵
- نکات قابل توجّه در روایات فوق: ۵۶
- ه - مَوْضع پیامبر نسبت به حکمیت سعدبن معاذ ۵۶
- و - سرانجام محاصره‌ی قلعه ۵۸
- ارائه دهندگان آمار عددی اسرا: ۵۹

- تاریخ نویسانی که آمار ارائه نداده‌اند ۵۹
- ۲- محاسبات نادرست در روایات ۶۰
- ۳- اسکان اُسرا ۶۰
- نکات قابل توجه در رابطه با اسرا: ۶۰
- نکته اول: در محل نگهداری ۶۰
- نکته دوم: اختلاف نظر در کشتار یهودیان ۶۱
- نکته سوم: مخیر بودن یهودیان ۶۱
- نکته چهارم: فرصت فرار یهودیان ۶۲
- نکته پنجم: ۶۲
- ح - استراتژی پیامبر ﷺ در غزوات ۶۷
- ط - استراتژی قرآن در رابطه با اُسرا ۶۸
- بررسی آیات (۶۷) انفال و (۴) بقره ی محمد: ۷۱
- رویکرد اول: ۷۳
- رویکرد دوم: ۷۳
- ک - استراتژی عملی پیامبر ﷺ با اُسرا ۷۳
- ۱- برخورد پیامبر با اسیران جنگ بدر ۷۴
- ۲- برخورد پیامبر با اسیران بنی‌مصطلق ۷۶
- ۳- برخورد پیامبر با اسیران هوازن ۷۷
- ۴- فتح مکه و برخورد پیامبر با اهل مکه ۷۷
- فصل سوم: نقد و بررسی واقعه‌ی بنی‌قریظه** ۷۹
- گفتار اول: نقد و بررسی روایات ۷۹
- الف- بررسی روایات آمدن جبرئیل ﷺ ۸۰
- ۱- روایت «زهري» به نقل از ابن هشام: ۸۰

- ۲- روایت اوّل بخاری: ۸۱
- ۳- روایت دوم بخاری: ۸۱
- ۴- روایت امام احمد: ۸۲
- ۵- روایت بیهقی ۸۲
- ۶- روایت دوم بیهقی ۸۲
- زنجیره ی راویان: ۸۳
- ب- بررسی روایات حکمیت سعد بن معاذ ۸۳
- ۱- روایت سیره ی ابن هشام ۸۴
- ۲- حکمیت سعد بن معاذ به روایت امام بخاری ۸۴
- ۳- حکمیت سعد در روایت امام احمد ۸۵
- ج- بررسی روایات کشتار یهودیان بنی قریظه از قول عطیة القرطی ۸۵
- روایت های عطیة قرطی: ۸۶
- ۱- کشتار بنی قریظه به روایت ابن هشام ۸۶
- ۲- کشتار بنی قریظه به روایت البدایة و النهایة ۸۶
- ۳- کشتار بنی قریظه به روایت ابن ماجه ۸۶
- ۴- کشتار بنی قریظه به روایت ابن داود ۸۷
- ۵- کشتار بنی قریظه به روایت نسائی ۸۷
- گفتار دوم: نقد و بررسی رجال و شخصیت ها ۸۹
- الف- عطیة القرطی ۸۹
- ب- عبد الملك بن عمیر ۹۰
- ج- سفیان بن عیینة: ۹۱
- د- شخصیت ابن اسحاق از منظر صاحب نظران ۹۱

- هـ - ایرادات وارده بر ابن اسحاق: ۹۴
- و - فضای سیاسی تدوین سیره‌ی ابن اسحاق: ۹۶
- پیام اول: ۹۶
- پیام دوم: ۹۷
- ز - ذاتیات و عرضیات واقعه‌ی بنی قریظه ۹۷
- ۱ - ذاتیات واقعه بنی قریظه با توجه به قرآن ۹۷
- مفسران گروه اول: ۹۹
- مفسران گروه دوم: ۹۹
- ۲ - عرضیات واقعه‌ی بنی قریظه: ۹۹
- ح - اشکالات قابل طرح در واقعه‌ی بنی قریظه ۱۰۰
- الف - موافقان ابن اسحاق ۱۰۵
- ب - مخالفان ابن اسحاق ۱۰۶
- ط - حقیقت ماجرای بنی قریظه ۱۰۶
- نتیجه‌گیری نهایی ۱۰۹
- منابع و مراجع ۱۱۳

چکیده

پژوهش پیش‌بررسی بار، «یهودیان بنی‌قریظه» و رویارویی آنان با آیین اسلام و حکومت نوپای مدینه، تحقیقی مبتنی بر آیات قرآن و بررسی تاریخی است.

فصل اول پژوهش؛ بررسی تاریخی قوم یهود در قرآن، و مواضع آنان با دعوت نوپای عیسی مسیح علیه السلام و توطئه‌ی علیه او؛ و تهمت ناروا علیه مریم عذرا می‌باشد. همچنین در گفتار مواضع اسلام در مقابل آیین یهود و فراخوان قرآن برای «آیین ترحید» به عنوان جوهر و کانون کلیه‌ی ادیان توحیدی را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهد؛ و نکته‌ی اساسی و حائز اهمیت از منظر قرآن، تسامح با اهل کتاب، ویژه یهودیان مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در فصل دوم؛ تعامل سیاسی پیمبر اسلام صلی الله علیه و آله با یهودیان مدینه (بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه) در سحرة تازه تأسیس و نوپای مدینه، مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. هر چند (۱۱) ماده از (۵۱) ماده‌ی منشور مدنی و سیاسی مدینه به قبایل یهودی اختصاص داده شد، و پایه‌ی اساسی برای تشکیل «امت واحد سیاسی» قرار گرفت، اما یک جانبه از طرف یهودیان نقض گردید؛ و هم‌پیمانی با مشرکان و منافقان را جایگزین آن نمودند. فصل سوم پژوهش؛ به نقد و بررسی واقعه‌ی بنی‌قریظه، از منظر قرآن؛ سیره و تاریخ می‌پردازد. و

مؤلف در پایان تحقیق؛ با توجّه به تحریفات تاریخی و ضعف اسناد آن، به این نتیجه نایل می‌شود که کشتار جمعی و گردن‌زنی (۹۰۰) یا (۸۰۰) نفری یهودیان و دفن اجساد آنان در بازار مدینه، به دور از واقعیت و عاری از حقیقت است؛ و با رحمت نبوی و اسلوب قرآنی هیچ‌گونه هم‌خوانی ندارد.

مقدمه

اگر از منظر فرادرس رضوع هدایت انسان را واکاوی نماییم، در هیچ بُرهه‌ای از تاریخ، بیات اجتماعی، انسان محروم از هدایت آسمانی نبوده است. معنی این نظریه این است، همان گونه که خداوند خالق انسان است؛ لذا گام به گام او را از راه راستی و هدایت آسمانی بهره‌مند نموده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾ [نحل/۳۶]

«ما به میان هر ملتی پیغمبری را فرستادیم (محتوای دعوت همه پیغمبران این بوده است) که خدا را بپرستید و از طاغوت (شیطان، بتان، ستمگران، و غیره) دوری کنید. (پیغمبران دعوت به توحید کردند، مردمان را به راه حق فرا خواندند). خداوند گروهی از مردمان را راه برادر نیک، شایسته مرحمت خدا شدند، به راه راست (هدایت داد، و گروهی از ایشان (بر اثر کردار ناشایست) گمراهی بر آنان واجب گردید (و سرشتگی به دامانشان چسبید)»

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ [فاطر/۲۴]

«ما تو را همراه (دین) حق، به عنوان مژده دهنده (مؤمنان به بهشت)

و بیم دهنده (کافران به دوزخ، به میان مردمان) فرستاده‌ایم. هیچ ملت‌ی (از ملت‌های پیشین) هم نبوده است که بیم دهنده‌ای به میانشان فرستاده نشده باشد.»

علت و فلسفه‌ی این نظریه قرآنی محرز و واضح است، چون انسان در زمین دارای نقش و مسؤولیتی کلیدی است، مسؤولیتی که تحقق آن تنها بر عهده‌ی اوست و بس؛ نه «ملانک» قادر به انجام آن می‌باشد نه «جَنّ»؛ چون شخصیت فیزیکی، روحی، عقلی و نفسی انسان ظرفیت و پتانسیل این امر مهم را دارا می‌باشد. گویی مقام «خلافت» تاجی است که تنها بر پایه و برآورده‌ی انسان است. هر چند قبل از خلقت او، هم ملائکه حاضر داشتند و هم جنّ:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنْ أَرَادْتُمْ إِلَّا بِتِلْكَ الْأُمُومَةِ﴾ [بقره/۳۰]

«زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی بیافرینم (تا به آبادانی زمین بپردازد و آن زیانکاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام رساند) و این انسان است. فرشتگان دریافتند که انسان بنا به انگیزه‌های سرشتی زمین را فساد و تباهی برپا می‌دارد. پس برای دانستن نه اعتراض کردن از خدا پرسیدند: حکمت برتری دادن انسان بر ایشان برای امر جانشینی چیست و) گفتند: آن در زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد می‌کند و تباهی راه می‌اندازد و غوغا خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقائق را می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ﴾ [کهف/۵۰]

«ای پیغمبر! آغاز آفرینش مردمان را برایشان بیان کن) آن گاه را که ما

به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید. آنان جملگی سجده کردند مگر ابلیس که از جَنّیان بود و از فرمان پروردگارش تمرد کرد.»

هدف از مقام خلافت، هدفی مبهم و نامعلوم نیست؛ زیرا منطقی به نظر نمی‌رسد خداوندی که نظام هستی را خلق و مدیریت می‌کند، مخلوقی را به عنوان خلیفه در زمین مستقر نماید، اما برای او هدف و استراتژی تعیین و مشخص نکند.

پس نه تنها برای انسان به عنوان خلیفه در زمین هدف را معین می‌کند؛ بلکه هدفی که در نظر می‌گیرد متناسب با دو بُعد «روحی و جسمی» اوست. بُعد روحی انسان، بُعد الهی بوده و تمام مقررات و دستور العمل‌های متناسب با رشد و تعالی «معنوی و اخلاقی» را از خداوند دریافت می‌کند. بر همین اساس در جهت رشد بُعد «جسمی»، در وجود انسان نیرو و استعدادی به نام «نفس» قرار دارد، که از ترکیب «روح و جسم» شکل می‌گیرد؛ این نیروی نفسانی فی‌البداهه مجهز به دو استعداد «فجور و تقوا» می‌باشد. این دو نیرو هم در راستای بُعد روحی، و هم در راستای بُعد جسمی انسان، نقش مزبور در هدایت و گمراهی انسان دارند:

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ [سجده/۷-۸]

«و سوگند به نفس آدمی، و به آن که او را ساخته و پرداخته کرده است (و قوای روحی وی را تعدیل، و دستگاه‌های جسمی او را تنظیم کرده است)؛ سپس بدو گناه و تقوا را الهام کرده است (و چاه و راه و معین و قبح را توسط عقل و وحی به او نشان داده است).»

حال با وجود دو نیروی فجور و تقوا، و قدرت جسمی و بهره‌مندی انسان از استعداد «عقل» و معنویت روحی، هدف از خلقت او در زمین، متناسب با این استعدادها، «عمران زمین» است: